

MDOI-01-2026.0036
MNR--1-C880EB

بررسی تأثیر آموزش خلّاق ادبیات فارسی بر تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه

شریفه زندی

لیسانس ادبیات فارسی استان کردستان شهرستان دهگلان کدپرسنلی ۸۳۹۵۳۹۵۷

saroamiry@gmail.com

۱- چکیده

آموزش ادبیات فارسی می‌تواند فراتر از انتقال دانش زبانی و ادبی، زمینه‌ای مناسب برای رشد توانایی‌های شناختی، خلاقانه و انگیزشی دانش‌آموزان فراهم کند. با این حال، غلبه روش‌های سنتی و انتقال‌محور در برخی کلاس‌های ادبیات ممکن است فرصت مشارکت فعال، پرسشگری و تجربه یادگیری معنادار را محدود سازد. آموزش خلاق با بهره‌گیری از روش‌هایی همچون گفت‌وگوی ادبی، تحلیل و تفسیر متن، نوشتن خلاق، داستان‌پردازی، ایفای نقش، بازآفرینی متون و فعالیت‌های گروهی، می‌تواند دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری فعال‌تر سازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه انجام می‌شود. در این رویکرد، دانش‌آموز به جای دریافت‌کننده منفعل اطلاعات، به مشارکت‌کننده‌ای فعال در فرایند تولید معنا و دانش تبدیل می‌شود. انتظار می‌رود آموزش خلاق ادبیات فارسی از طریق ایجاد فرصت برای تحلیل، استدلال، تولید ایده و مشارکت در فعالیت‌های یادگیری، موجب تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت و همچنین افزایش علاقه و انگیزش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری شود. نتایج این پژوهش می‌تواند در جهت بهبود روش‌های تدریس ادبیات فارسی و طراحی محیط‌های یادگیری فعال و دانش‌آموزمحور مورد استفاده معلمان، برنامه‌ریزان آموزشی و مؤلفان کتاب‌های درسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی : آموزش خلاق، ادبیات فارسی، تفکر انتقادی، خلاقیت، انگیزش تحصیلی، دانش‌آموزان دوره متوسطه.



۲- ۱ .مقدمه

در نظام‌های آموزشی امروز، هدف آموزش صرفاً انتقال اطلاعات و محفوظات نیست، بلکه پرورش توانایی‌هایی همچون تفکر انتقادی، خلاقیت، حل مسئله و انگیزش برای یادگیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان، شیوه تدریس و نوع فعالیت‌های یادگیری نقش مهمی در شکل‌گیری این توانایی‌ها دارد.

درس ادبیات فارسی به دلیل ارتباط با زبان، اندیشه، تخیل، فرهنگ و تجربه‌های انسانی، ظرفیت بالایی برای پرورش مهارت‌های شناختی و خلاقانه دانش‌آموزان دارد. با وجود این ظرفیت، استفاده از روش‌های سنتی و حافظه‌محور در آموزش این درس می‌تواند مشارکت فعال دانش‌آموزان و فرصت آنان برای تحلیل، پرسشگری و تولید ایده‌های جدید را محدود کند.

آموزش خلاق ادبیات فارسی با تأکید بر فعالیت‌هایی مانند تحلیل و تفسیر متون، گفت‌وگو، داستان‌پردازی، نوشتن خلاق، ایفای نقش و بازآفرینی آثار ادبی، می‌تواند فرایند یادگیری را از حالت انتقال یک‌سویه اطلاعات خارج کرده و دانش‌آموز را به مشارکت فعال در ساخت دانش سوق دهد. چنین رویکردی می‌تواند زمینه مناسبی برای تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت و همچنین افزایش علاقه و انگیزش تحصیلی فراهم آورد.

ازاین‌رو، بررسی تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر **تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی** دانش‌آموزان دوره متوسطه، از نظر آموزشی و پژوهشی اهمیت دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر این سه متغیر، درصدد بررسی میزان اثربخشی آموزش خلاق ادبیات فارسی و ارائه شواهدی برای بهبود روش‌های تدریس این درس است.

۲- ۲ .بیان مسئله

نظام‌های آموزشی در جهان معاصر با این ضرورت اساسی مواجه‌اند که دانش‌آموزان را برای زندگی در جامعه‌ای آماده کنند که ویژگی اصلی آن تغییر، پیچیدگی و دسترسی گسترده به اطلاعات است. در چنین



شرایطی، برخورداری از دانش و محفوظات به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده موفقیت تحصیلی و اجتماعی افراد باشد؛ بلکه دانش‌آموزان باید بتوانند اطلاعات را تحلیل و ارزیابی کنند، درباره مسائل مختلف دیدگاه منطقی داشته باشند، راه‌حل‌های متفاوت ارائه دهند و در مواجهه با موقعیت‌های جدید از توانایی خلاقانه خود استفاده کنند. ازاین‌رو، پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت و همچنین ایجاد انگیزش پایدار برای یادگیری، از اهداف مهم نظام‌های آموزشی معاصر محسوب می‌شود.

در این میان، مدرسه و به‌ویژه شیوه‌های تدریس معلمان، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری این توانایی‌ها دارند. روش تدریس تنها وسیله‌ای برای انتقال محتوای کتاب درسی نیست، بلکه می‌تواند نوع تعامل دانش‌آموز با دانش، معلم و سایر دانش‌آموزان را تعیین کند. روش‌های آموزشی فعال و مشارکتی معمولاً فرصت بیشتری برای پرسشگری، بحث، تجربه، حل مسئله و اظهار نظر فراهم می‌کنند؛ در حالی که روش‌های صرفاً انتقالی ممکن است دانش‌آموز را بیشتر در جایگاه دریافت‌کننده اطلاعات قرار دهند. بنابراین، توجه به کیفیت و ماهیت فرایند تدریس، بخش مهمی از تلاش برای ارتقای کیفیت یادگیری است.

درس ادبیات فارسی از جمله دروسی است که ظرفیت قابل توجهی برای تحقق این اهداف دارد. ادبیات با زبان، اندیشه، احساس، تخیل، فرهنگ و تجربه‌های انسانی ارتباط دارد و دانش‌آموز را با طیف متنوعی از شخصیت‌ها، رویدادها، دیدگاه‌ها و موقعیت‌های انسانی مواجه می‌کند. شعر، داستان، حکایت و نثر ادبی می‌توانند دانش‌آموز را به پرسیدن، تفسیر کردن، مقایسه دیدگاه‌ها و کشف معانی مختلف ترغیب کنند. بنابراین، آموزش ادبیات فارسی می‌تواند فراتر از انتقال مفاهیم ادبی، به بستری برای رشد مهارت‌های شناختی و عاطفی دانش‌آموزان تبدیل شود.

با وجود این ظرفیت، نحوه آموزش ادبیات فارسی در برخی محیط‌های آموزشی همچنان تحت تأثیر روش‌های سنتی قرار دارد. در این شیوه‌ها، بخش زیادی از زمان کلاس ممکن است به توضیح مستقیم معلم، انتقال اطلاعات، معنی کردن واژگان و ابیات، شناسایی آرایه‌های ادبی و حفظ مطالب اختصاص یابد. این فعالیت‌ها در جایگاه خود برای یادگیری دانش ادبی ضروری هستند، اما اگر فرایند آموزش تنها به آنها محدود شود، ممکن است فرصت کافی برای تحلیل، پرسشگری، تفسیر شخصی و تولید ایده‌های جدید در اختیار



دانش‌آموز قرار نگیرد. در نتیجه، دانش‌آموز ممکن است ادبیات را بیشتر به عنوان مجموعه‌ای از مطالب برای حفظ کردن و پاسخ دادن به سؤالات امتحانی تلقی کند تا عرصه‌ای برای اندیشیدن و تجربه کردن.

در مقابل، **آموزش خلاق ادبیات فارسی** بر ایجاد موقعیت‌هایی تأکید دارد که دانش‌آموز در آنها بتواند فعالانه در فرایند یادگیری مشارکت کند. استفاده از روش‌هایی مانند بحث و گفت‌وگوی ادبی، پرسش‌های باز، تحلیل چندجانبه متون، نوشتن خلاق، داستان‌پردازی، بازآفرینی متون، تغییر زاویه دید، ایفای نقش و فعالیت‌های گروهی، می‌تواند فرصت بیشتری برای تعامل دانش‌آموز با محتوای درسی ایجاد کند. در این رویکرد، هدف تنها یافتن یک پاسخ صحیح نیست، بلکه دانش‌آموز تشویق می‌شود درباره متن فکر کند، دیدگاه خود را توضیح دهد و برای آن دلیل ارائه کند.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای مورد انتظار از چنین رویکردی، تقویت **تفکر انتقادی** است. تفکر انتقادی به دانش‌آموز کمک می‌کند تا مطالب را بدون پذیرش منفعلانه بررسی کند و درباره ادعاها، دیدگاه‌ها و شواهد موجود سؤال بپرسد. برای مثال، بررسی رفتار یک شخصیت ادبی، مقایسه دو دیدگاه متفاوت در یک متن یا دفاع از یک برداشت شخصی بر اساس شواهد موجود در اثر، می‌تواند دانش‌آموز را به تحلیل، ارزیابی و استدلال وادار کند. بنابراین، کلاس ادبیات می‌تواند محیط مناسبی برای تمرین مهارت‌های تفکر انتقادی باشد؛ مشروط بر آنکه روش تدریس فرصت لازم برای چنین فعالیت‌هایی را فراهم کند.

آموزش خلاق همچنین می‌تواند زمینه مناسبی برای رشد **خلاقیت** دانش‌آموزان ایجاد کند. ادبیات با تخیل و آفرینش معنا پیوندی عمیق دارد و بسیاری از فعالیت‌های ادبی ماهیتی باز و چندپاسخی دارند. هنگامی که از دانش‌آموز خواسته می‌شود پایان دیگری برای یک داستان بنویسد، یک شعر را به زبان خود بازآفرینی کند، داستانی را از دیدگاه شخصیت دیگری روایت کند یا بر اساس یک متن ادبی اثری جدید تولید کند، از او انتظار می‌رود از چارچوب پاسخ‌های آماده فراتر رفته و ایده‌های تازه‌ای تولید کند. تکرار چنین فعالیت‌هایی می‌تواند زمینه رشد انعطاف‌پذیری ذهنی و توانایی تولید ایده‌های متنوع را فراهم آورد.

متغیر مهم دیگری که در این زمینه مورد توجه قرار می‌گیرد، **انگیزش تحصیلی** است. کیفیت یادگیری تنها به توانایی شناختی دانش‌آموز وابسته نیست، بلکه علاقه، نگرش و میزان تمایل او برای مشارکت در

فعالیت‌های آموزشی نیز اهمیت دارد. اگر دانش‌آموز احساس کند فعالیت‌های کلاس برای او معنادار، جذاب و متناسب با توانایی‌ها و علایقش هستند، احتمال مشارکت و تلاش او افزایش می‌یابد. آموزش خلاق می‌تواند با ایجاد تنوع در فعالیت‌های آموزشی، افزایش تعامل، فراهم کردن فرصت انتخاب و امکان ابراز نظر شخصی، تجربه یادگیری را برای دانش‌آموز جذاب‌تر کند.

اهمیت این موضوع در دوره متوسطه دوچندان است؛ زیرا دانش‌آموزان این دوره در مرحله‌ای از رشد شناختی و اجتماعی قرار دارند که توانایی استدلال، تحلیل و شکل‌دهی به دیدگاه‌های شخصی آنان در حال گسترش است. فراهم کردن محیط آموزشی مناسب در این مرحله می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش آنان نسبت به یادگیری و توانایی‌های فکری و خلاقانه‌شان داشته باشد. در نتیجه، آموزش ادبیات فارسی می‌تواند از یک فعالیت صرفاً درسی فراتر رفته و به ابزاری برای تقویت توانایی‌های عمومی یادگیری تبدیل شود.

بر این اساس، مسئله اساسی پژوهش حاضر آن است که آیا به‌کارگیری روش‌های خلاق در آموزش ادبیات فارسی می‌تواند بر سه مؤلفه مهم یعنی **تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی** دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر معناداری داشته باشد؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند به روشن‌تر شدن ظرفیت‌های آموزشی ادبیات فارسی و ضرورت بازنگری در برخی شیوه‌های تدریس این درس کمک کند.

۴- ۳ .اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت پژوهش حاضر از این دیدگاه ناشی می‌شود که آموزش و پرورش امروز نیازمند روش‌هایی است که دانش‌آموزان را از دریافت‌کنندگان منفعل اطلاعات به یادگیرندگانی فعال، پرسشگر و خلاق تبدیل کند. در این میان، آموزش ادبیات فارسی می‌تواند نقش مهمی در تحقق این هدف داشته باشد؛ زیرا محتوای ادبی، برخلاف بسیاری از مطالب صرفاً اطلاعاتی، امکان برداشت‌های گوناگون، گفت‌وگو، تفسیر و آفرینش را فراهم می‌کند.

از نظر **نظری**، بررسی ارتباط آموزش خلاق با تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی می‌تواند به شناخت بهتر نقش روش تدریس در رشد ابعاد مختلف یادگیری کمک کند. تمرکز همزمان بر این سه متغیر نیز

اهمیت دارد؛ زیرا یادگیری اثربخش تنها به رشد توانایی‌های شناختی محدود نمی‌شود و عوامل انگیزشی و خلاقانه نیز در کیفیت و استمرار یادگیری نقش دارند.

از نظر **آموزشی**، یافته‌های پژوهش می‌تواند به معلمان ادبیات فارسی کمک کند تا فعالیت‌های کلاسی را به گونه‌ای طراحی کنند که دانش‌آموز فرصت بیشتری برای مشارکت، اظهار نظر، تحلیل و تولید داشته باشد. برای مثال، استفاده هدفمند از پرسش‌های باز، گفت‌وگوی گروهی، نوشتن خلاق و بازآفرینی متون می‌تواند فضای کلاس را از حالت یک‌سویه خارج کرده و تعامل میان معلم و دانش‌آموز را افزایش دهد.

از نظر **برنامه‌ریزی درسی** نیز نتایج این پژوهش می‌تواند برای مؤلفان کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزان آموزشی سودمند باشد. چنانچه آموزش خلاق بتواند تأثیر مطلوبی بر تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی داشته باشد، می‌توان توجه بیشتری به فعالیت‌های مشارکتی و خلاقانه در محتوای کتاب‌های درسی و راهنمای تدریس معلمان نشان داد.

از سوی دیگر، اهمیت این پژوهش به ضرورت افزایش **انگیزش تحصیلی** دانش‌آموزان نیز مربوط می‌شود. یکی از چالش‌های آموزش مدرسه‌ای، ایجاد علاقه پایدار به یادگیری است. روش‌هایی که به دانش‌آموز امکان تجربه، انتخاب، مشارکت و بیان دیدگاه شخصی می‌دهند، می‌توانند احساس تعلق و مشارکت او را در فعالیت‌های آموزشی افزایش دهند. بنابراین، آموزش خلاق ادبیات فارسی می‌تواند علاوه بر پیامدهای شناختی، از نظر عاطفی و انگیزشی نیز اهمیت داشته باشد.

همچنین، تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت تنها برای موفقیت دانش‌آموز در درس ادبیات اهمیت ندارد، بلکه این مهارت‌ها می‌توانند در سایر حوزه‌های تحصیلی و زندگی روزمره نیز مورد استفاده قرار گیرند. دانش‌آموزی که توانایی تحلیل، ارزیابی، پرسشگری و تولید ایده را در کلاس ادبیات تمرین می‌کند، می‌تواند این مهارت‌ها را در مواجهه با مسائل علمی، اجتماعی و فردی نیز به کار گیرد.

بنابراین، بررسی علمی اثربخشی آموزش خلاق ادبیات فارسی می‌تواند گامی در جهت شناخت ظرفیت‌های کمتر استفاده‌شده این درس و حرکت به سوی آموزش فعال‌تر و یادگیرنده‌محور باشد. نتایج چنین پژوهشی

می‌تواند مبنایی برای ارائه پیشنهادهای کاربردی به معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی و همچنین زمینه‌ای برای انجام پژوهش‌های گسترده‌تر در حوزه آموزش ادبیات فارسی فراهم کند.

۵- ۴ .اهداف پژوهش

۶- ۴-۱ .هدف کلی

هدف کلی پژوهش حاضر، **بررسی تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه** است.

۷- ۴-۲ .اهداف اختصاصی

۱. بررسی تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره متوسطه.
۲. بررسی تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه.
۳. بررسی تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه.
۴. بررسی نقش آموزش خلاق ادبیات فارسی در افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری.
۵. بررسی ظرفیت آموزش ادبیات فارسی برای تقویت مهارت‌های شناختی و عاطفی دانش‌آموزان.
۶. ارائه پیشنهادهای کاربردی برای بهبود روش‌های تدریس ادبیات فارسی در دوره متوسطه.

۸- ۵ .سؤالات پژوهش

۹- سؤال اصلی

آیا آموزش خلاق ادبیات فارسی بر تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر دارد؟

۱۰- سؤالات فرعی

۱. آیا آموزش خلاق ادبیات فارسی بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر دارد؟
۲. آیا آموزش خلاق ادبیات فارسی بر خلاقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر دارد؟

۳. آیا آموزش خلاق ادبیات فارسی بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر دارد؟
۴. کدام‌یک از ابعاد مورد بررسی، بیشترین ارتباط را با آموزش خلاق ادبیات فارسی نشان می‌دهد؟

۱۱- ۶ .فرضیه‌های پژوهش

۱۲- فرضیه اصلی

آموزش خلاق ادبیات فارسی بر تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۱۳- فرضیه‌های فرعی

۱. آموزش خلاق ادبیات فارسی بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر مثبت و معناداری دارد.
۲. آموزش خلاق ادبیات فارسی بر خلاقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر مثبت و معناداری دارد.
۳. آموزش خلاق ادبیات فارسی بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۱۴- ۷ .تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۱۵- ۷-۱ .آموزش خلاق ادبیات فارسی

تعریف مفهومی:

آموزش خلاق ادبیات فارسی به مجموعه‌ای از روش‌ها و فعالیت‌های آموزشی گفته می‌شود که با هدف فعال کردن فرایندهای ذهنی و عاطفی دانش‌آموز و ایجاد فرصت برای تحلیل، پرسشگری، تخیل، تولید ایده و

مشارکت در فرایند یادگیری به کار گرفته می‌شوند. در این رویکرد، معلم تنها انتقال‌دهنده محتوا نیست، بلکه نقش تسهیل‌کننده و هدایت‌کننده یادگیری را بر عهده دارد.

آموزش خلاق می‌تواند شامل فعالیت‌هایی مانند تحلیل و تفسیر متن، بحث و گفت‌وگو، داستان‌پردازی، نوشتن خلاق، بازآفرینی متون، تغییر زاویه دید، ایفای نقش، فعالیت‌های گروهی و طرح پرسش‌های باز باشد. هدف اصلی این فعالیت‌ها ایجاد محیطی است که دانش‌آموز بتواند در آن فراتر از پاسخ‌های از پیش تعیین‌شده فکر و عمل کند.

تعریف عملیاتی:

در پژوهش حاضر، آموزش خلاق ادبیات فارسی به عنوان متغیر مستقل، از طریق اجرای یک برنامه آموزشی مبتنی بر فعالیت‌های خلاق، مشارکتی و دانش‌آموزمحور در جلسات آموزش ادبیات فارسی تعریف می‌شود. محتوای آموزشی مطابق سرفصل‌های درس ادبیات فارسی تنظیم شده و در کنار محتوای رسمی، از فعالیت‌هایی برای تحلیل، گفت‌وگو، نوشتن و تولید محتوای خلاق استفاده خواهد شد.

۱۶- ۷-۲ .تفکر انتقادی

تعریف مفهومی:

تفکر انتقادی فرایندی شناختی است که طی آن فرد اطلاعات، ادعاها و دیدگاه‌های مختلف را مورد بررسی قرار داده و با استفاده از تحلیل، ارزیابی، استدلال و شواهد، درباره آنها قضاوت می‌کند. فرد دارای تفکر انتقادی صرفاً اطلاعات را نمی‌پذیرد، بلکه درباره اعتبار و منطق آنها پرسش می‌کند و تلاش می‌کند به نتیجه‌ای منطقی و مستدل برسد.

در آموزش ادبیات، تفکر انتقادی می‌تواند در فعالیت‌هایی مانند تحلیل پیام متن، بررسی رفتار شخصیت‌ها، مقایسه دیدگاه‌های مختلف، تشخیص استدلال‌های منطقی و ارائه برداشت مستند از یک اثر ادبی نمود پیدا کند.

تعریف عملیاتی:

در پژوهش حاضر، تفکر انتقادی بر اساس نمره‌ای که دانش‌آموزان از ابزار سنجش تفکر انتقادی مورد استفاده

در پژوهش به دست می‌آورند، اندازه‌گیری خواهد شد. افزایش نمره نشان‌دهنده سطح بالاتر تفکر انتقادی است.

۱۷- ۷-۳ .خلاقیت

تعریف مفهومی:

خلاقیت به توانایی فرد برای تولید ایده‌ها، راه‌حل‌ها یا محصولات جدید و ارزشمند اشاره دارد. خلاقیت معمولاً با مؤلفه‌هایی همچون سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط ایده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در محیط آموزشی، خلاقیت زمانی بیشتر امکان بروز پیدا می‌کند که دانش‌آموز فرصت داشته باشد از پاسخ‌های کلیشه‌ای فاصله گرفته و راه‌های متفاوتی برای انجام فعالیت‌ها ارائه دهد.

در آموزش ادبیات، نوشتن داستان، تولید پایان‌های متفاوت، بازنویسی متون، شعرسرایی و ارائه برداشت‌های تازه از یک اثر می‌تواند از جمله فعالیت‌های مرتبط با خلاقیت باشد.

تعریف عملیاتی:

در این پژوهش، میزان خلاقیت دانش‌آموزان بر اساس نمره حاصل از ابزار سنجش خلاقیت مورد استفاده اندازه‌گیری خواهد شد و افزایش نمره نشان‌دهنده سطح بالاتر خلاقیت خواهد بود.

۱۸- ۷-۴ .انگیزش تحصیلی

تعریف مفهومی:

انگیزش تحصیلی به مجموعه عوامل درونی و بیرونی گفته می‌شود که موجب شکل‌گیری، جهت‌دهی و استمرار رفتار دانش‌آموز در فعالیت‌های آموزشی می‌شوند. علاقه به یادگیری، احساس توانمندی، تلاش برای موفقیت و تمایل به مشارکت در فعالیت‌های درسی از جمله مؤلفه‌های مرتبط با انگیزش تحصیلی هستند. دانش‌آموز دارای انگیزش تحصیلی بالاتر معمولاً با علاقه و پشتکار بیشتری در فعالیت‌های آموزشی شرکت می‌کند و در مواجهه با دشواری‌های یادگیری، استمرار بیشتری نشان می‌دهد.

تعریف عملیاتی:

در پژوهش حاضر، انگیزش تحصیلی بر اساس نمره دانش‌آموزان در مقیاس سنجش انگیزش تحصیلی مورد استفاده پژوهش اندازه‌گیری خواهد شد. نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر انگیزش تحصیلی است.

۱۹- ۸ .مبانی نظری پژوهش

۲۰- ۸-۱ .مفهوم آموزش خلاق

آموزش خلاق یکی از رویکردهای مهم در تعلیم و تربیت نوین است که بر فعال بودن یادگیرنده و مشارکت او در فرایند یادگیری تأکید دارد. در این رویکرد، یادگیری صرفاً به دریافت و بازتولید اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه دانش‌آموز تشویق می‌شود درباره موضوعات مختلف سؤال کند، ارتباط میان مفاهیم را کشف کند، دیدگاه خود را بیان نماید و برای مسائل، پاسخ‌ها و راه‌حل‌های متفاوت ارائه دهد.

آموزش خلاق در واقع تلاش می‌کند محیطی ایجاد کند که در آن دانش‌آموز احساس کند یادگیری فرایندی پویا و قابل تجربه است. چنین محیطی معمولاً با انعطاف‌پذیری، تعامل، گفت‌وگو، فعالیت گروهی و پذیرش دیدگاه‌های متنوع همراه است. نقش معلم نیز از انتقال‌دهنده صرف اطلاعات به طراح و تسهیل‌کننده موقعیت‌های یادگیری تغییر پیدا می‌کند.

یکی از ویژگی‌های اساسی آموزش خلاق، استفاده از **پرسش‌های باز و فعالیت‌های چندپاسخی** است. در چنین فعالیت‌هایی الزاماً یک پاسخ واحد وجود ندارد و دانش‌آموز می‌تواند بر اساس استدلال و تجربه خود پاسخ متفاوتی ارائه کند. این ویژگی در آموزش ادبیات فارسی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بسیاری از متون ادبی امکان برداشت‌ها و تفسیرهای متنوع را فراهم می‌کنند.

۲۱- ۸-۲ .آموزش خلاق ادبیات فارسی

ادبیات فارسی مجموعه‌ای از آثار شعری و نثری است که بخش مهمی از هویت زبانی و فرهنگی جامعه ایرانی را شکل داده است. با این حال، ارزش آموزشی ادبیات تنها در انتقال میراث فرهنگی خلاصه نمی‌شود. متون

ادبی می‌توانند زمینه‌ای برای پرورش قدرت تخیل، توانایی بیان، تفکر تحلیلی و درک دیدگاه‌های مختلف فراهم کنند.

آموزش خلاق ادبیات فارسی تلاش می‌کند از همین ظرفیت استفاده کند. در این روش، متن ادبی نقطه آغاز فعالیت‌های ذهنی و خلاقانه دانش‌آموز است، نه صرفاً موضوعی برای حفظ کردن. برای مثال، معلم می‌تواند پس از ارائه یک داستان، از دانش‌آموزان بخواهد درباره انگیزه شخصیت‌ها بحث کنند، پایان متفاوتی برای داستان بنویسند یا رویدادهای داستان را از دیدگاه شخصیت دیگری روایت کنند.

چنین فعالیت‌هایی موجب می‌شود دانش‌آموز به صورت فعال با متن ارتباط برقرار کند و برای درک و تفسیر آن از توانایی‌های ذهنی خود استفاده نماید. بنابراین، آموزش خلاق ادبیات می‌تواند میان دانش ادبی و مهارت‌های عمومی تفکر ارتباط ایجاد کند.

۲۲- ۸-۳ .آموزش خلاق و تفکر انتقادی

تفکر انتقادی یکی از مهم‌ترین مهارت‌های شناختی مورد نیاز دانش‌آموزان است. این نوع تفکر فرد را قادر می‌سازد اطلاعات را بررسی کند، میان واقعیت و ادعا تمایز قائل شود، شواهد را ارزیابی کند و بر اساس دلایل منطقی تصمیم بگیرد.

کلاس ادبیات می‌تواند محیط مناسبی برای تمرین این مهارت باشد. هنگامی که دانش‌آموز درباره پیام یک داستان بحث می‌کند یا رفتار یک شخصیت را ارزیابی می‌کند، ناگزیر است شواهد موجود در متن را بررسی کرده و برای دیدگاه خود دلیل ارائه دهد. بنابراین، استفاده از روش‌های خلاق می‌تواند آموزش ادبیات را به فرصتی برای تمرین تحلیل و استدلال تبدیل کند.

در این چارچوب، هدف آن نیست که همه دانش‌آموزان الزاماً به یک برداشت یکسان از متن برسند، بلکه اهمیت بیشتری به فرایند استدلال و توانایی دفاع منطقی از دیدگاه داده می‌شود. این ویژگی، آموزش ادبیات را با اهداف پرورش تفکر انتقادی هماهنگ می‌سازد.

۲۳- ۸-۴ .آموزش خلاق و پرورش خلاقیت

خلاقیت یکی از توانایی‌های مهم انسان برای مواجهه با مسائل جدید و یافتن راه‌های متفاوت است. محیط آموزشی می‌تواند با فراهم کردن فرصت تجربه، آزمون ایده‌ها و پذیرش پاسخ‌های متنوع، زمینه رشد این توانایی را فراهم سازد.

ادبیات فارسی به دلیل پیوند با تخیل و زبان، ظرفیت ویژه‌ای برای پرورش خلاقیت دارد. دانش‌آموز می‌تواند یک متن را بازنویسی کند، پایان تازه‌ای برای داستان بسازد، از زبان یک شخصیت سخن بگوید یا یک مفهوم ادبی را در قالبی جدید بیان کند. در تمام این فعالیت‌ها، دانش‌آموز از دریافت‌کننده محتوا به تولیدکننده محتوا تبدیل می‌شود.

از این منظر، آموزش خلاق ادبیات می‌تواند محیطی فراهم کند که در آن خلاقیت نه به صورت یک مفهوم نظری، بلکه در قالب فعالیت واقعی تجربه شود.

۲۴- ۸-۵ .آموزش خلاق و انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده میزان مشارکت و استمرار دانش‌آموز در فرایند یادگیری است. دانش‌آموزی که نسبت به فعالیت‌های درسی احساس علاقه و معنا داشته باشد، معمولاً با تلاش و مشارکت بیشتری در فعالیت‌های آموزشی حضور پیدا می‌کند.

آموزش خلاق می‌تواند از طریق ایجاد تنوع، تعامل و فرصت ابراز نظر، تجربه یادگیری را جذاب‌تر کند. در کلاس ادبیات، فعالیت‌هایی مانند داستان‌نویسی، نمایش، گفت‌وگو و تولید محتوای ادبی می‌توانند احساس مشارکت و مالکیت دانش‌آموز نسبت به فرایند یادگیری را افزایش دهند.

ازاین‌رو، می‌توان انتظار داشت که آموزش خلاق ادبیات فارسی علاوه بر تأثیر بر توانایی‌های شناختی، از طریق ایجاد تجربه یادگیری مثبت و معنادار، انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

۱. ۹ .پیشینه پژوهش

پژوهش درباره آموزش خلاق، تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. بررسی مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که تغییر

روش‌های سنتی تدریس و حرکت به سوی روش‌های فعال، مشارکتی و یادگیرنده‌محور می‌تواند پیامدهای مثبتی بر ابعاد مختلف یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد. در این میان، ادبیات فارسی به دلیل ماهیت زبانی، تفسیری و خلاقانه خود، ظرفیت مناسبی برای اجرای چنین روش‌هایی دارد.

۲. ۹-۱ .مطالعات مرتبط با آموزش خلاق

نتایج مطالعات انجام‌شده در حوزه آموزش خلاق نشان می‌دهد که روش‌های آموزشی مبتنی بر مشارکت فعال دانش‌آموزان می‌توانند فرصت بیشتری برای تفکر، تجربه و تولید ایده فراهم کنند. در این روش‌ها، یادگیری از حالت دریافت یک‌سویه اطلاعات خارج شده و دانش‌آموز در ساخت و سازمان‌دهی دانش نقش فعال‌تری پیدا می‌کند.

یکی از ویژگی‌های مهم آموزش خلاق، فراهم کردن فرصت برای ارائه پاسخ‌های متنوع است. هنگامی که دانش‌آموز با یک مسئله یا موقعیت آموزشی مواجه می‌شود که بیش از یک پاسخ ممکن دارد، برای رسیدن به پاسخ مناسب ناچار به بررسی، مقایسه و تولید ایده‌های مختلف خواهد بود. چنین فرایندی می‌تواند زمینه رشد انعطاف‌پذیری ذهنی و استقلال فکری را فراهم کند.

همچنین، مطالعات حوزه یادگیری فعال نشان داده‌اند که مشارکت دانش‌آموز در فعالیت‌های آموزشی می‌تواند میزان درگیری شناختی او را افزایش دهد. فعالیت‌هایی مانند بحث گروهی، حل مسئله، ایفای نقش و پروژه‌های آموزشی، دانش‌آموز را وادار می‌کنند اطلاعات را پردازش کرده و به شکل فعال از آنها استفاده کند. بنابراین، آموزش خلاق را می‌توان یکی از رویکردهای مؤثر برای افزایش کیفیت مشارکت دانش‌آموز در کلاس دانست.

۳. ۹-۲ .مطالعات مرتبط با آموزش ادبیات و تفکر انتقادی

ادبیات از جمله حوزه‌هایی است که امکان بررسی مسائل از دیدگاه‌های مختلف را فراهم می‌کند. پژوهش‌های آموزشی مرتبط با خواندن و تحلیل متون ادبی نشان می‌دهند که مواجهه فعالانه با متن می‌تواند مهارت‌های تحلیل و استدلال دانش‌آموزان را تقویت کند.

هنگامی که دانش‌آموز صرفاً معنی یک متن را دریافت نمی‌کند، بلکه درباره چرایی رفتار شخصیت‌ها، پیام اثر، ارتباط میان وقایع و دیدگاه نویسنده پرسش می‌کند، فرایند یادگیری از سطح دریافت اطلاعات فراتر می‌رود. در این شرایط، دانش‌آموز باید برای برداشت خود از متن شواهد ارائه کند و بتواند دیدگاه خود را در برابر دیدگاه‌های دیگر توضیح دهد.

از این منظر، آموزش ادبیات می‌تواند بستری مناسب برای تمرین مؤلفه‌های تفکر انتقادی، از جمله تحلیل، تفسیر، ارزیابی و استدلال باشد. استفاده از پرسش‌های باز و گفت‌وگوی کلاسی نیز می‌تواند این ظرفیت را تقویت کند.

۴. ۹-۳ .مطالعات مرتبط با آموزش ادبیات و خلاقیت

یکی دیگر از محورهای مورد توجه پژوهشگران، ارتباط آموزش ادبیات با خلاقیت دانش‌آموزان است. ادبیات به دلیل ارتباط مستقیم با تخیل و آفرینش زبانی، زمینه مناسبی برای فعالیت‌های خلاقانه فراهم می‌کند. فعالیت‌هایی مانند نوشتن داستان کوتاه، شعرسرایی، بازنویسی یک متن، تغییر پایان داستان، ساخت گفت‌وگو میان شخصیت‌ها و روایت یک رویداد از زاویه دید متفاوت، دانش‌آموز را در موقعیتی قرار می‌دهد که باید از دانش خود برای تولید یک اثر یا ایده جدید استفاده کند.

برخلاف فعالیت‌هایی که تنها یک پاسخ صحیح دارند، فعالیت‌های خلاقانه ادبی معمولاً امکان ارائه پاسخ‌های متعدد را فراهم می‌کنند. همین ویژگی باعث می‌شود دانش‌آموزان بتوانند تفاوت‌های فردی خود را در فرایند یادگیری نشان دهند و از تخیل و تجربیات شخصی خود استفاده کنند.

۵. ۹-۴ .مطالعات مرتبط با آموزش خلاق و انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی از جمله عواملی است که می‌تواند کیفیت مشارکت دانش‌آموز در فرایند آموزش را تحت تأثیر قرار دهد. روش تدریس، نوع فعالیت‌های کلاسی و میزان مشارکت دانش‌آموز از عواملی هستند که می‌توانند نگرش او نسبت به یادگیری را شکل دهند.

در روش‌های خلاق، دانش‌آموز معمولاً فرصت بیشتری برای انتخاب، اظهار نظر و مشارکت دارد. این ویژگی می‌تواند احساس استقلال و توانمندی او را افزایش دهد و در نتیجه، علاقه بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های آموزشی ایجاد کند.

در آموزش ادبیات فارسی، استفاده از روش‌هایی مانند نمایش، داستان‌گویی، نوشتن خلاق و بحث گروهی می‌تواند فضای کلاس را از حالت یکنواخت خارج کند. تنوع فعالیت‌ها و ارتباط دادن محتوای ادبی با تجربه‌های واقعی دانش‌آموزان نیز می‌تواند موجب شود محتوای درسی برای آنان معنادارتر و جذاب‌تر شود.

۶. ۹-۵ .مطالعات مرتبط با تفکر انتقادی و خلاقیت

تفکر انتقادی و خلاقیت اگرچه دو مفهوم متفاوت هستند، اما در فرایند یادگیری ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. خلاقیت بیشتر بر تولید ایده‌ها و راه‌حل‌های جدید تأکید دارد، در حالی که تفکر انتقادی بر بررسی، ارزیابی و انتخاب منطقی میان ایده‌ها تمرکز می‌کند.

در فرایند یادگیری مؤثر، دانش‌آموز ابتدا ممکن است ایده‌های متنوعی تولید کند و سپس با استفاده از تفکر انتقادی، آنها را بررسی و ارزیابی نماید. بنابراین، محیط آموزشی که همزمان فرصت تولید ایده و ارزیابی آن را فراهم می‌کند، می‌تواند زمینه مناسبی برای رشد هر دو توانایی ایجاد کند.

آموزش خلاق ادبیات فارسی از این نظر اهمیت دارد که می‌تواند این دو فرایند را در کنار یکدیگر قرار دهد. برای مثال، دانش‌آموز می‌تواند چند پایان متفاوت برای یک داستان پیشنهاد کند و سپس درباره مناسب‌ترین پایان استدلال کند. در این فعالیت، تولید ایده به خلاقیت و ارزیابی و انتخاب آن به تفکر انتقادی مربوط می‌شود.

۷. ۹-۶ .جمع‌بندی پیشینه پژوهش

مرور ادبیات نظری و پژوهشی نشان می‌دهد که آموزش خلاق، یادگیری فعال و روش‌های دانش‌آموزمحور می‌توانند در تقویت برخی مهارت‌های شناختی و انگیزشی نقش داشته باشند. همچنین، ماهیت ادبیات فارسی امکان استفاده گسترده از فعالیت‌های خلاقانه و تحلیلی را فراهم می‌کند.

با وجود این، بررسی همزمان **آموزش خلاق ادبیات فارسی، تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی** می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد؛ زیرا بسیاری از مطالعات، این متغیرها را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر تلاش دارد با تمرکز همزمان بر سه پیامد مهم شناختی و انگیزشی، تصویر جامع‌تری از اثربخشی آموزش خلاق ادبیات فارسی ارائه کند.

از این منظر، پژوهش حاضر در پی آن است که مشخص کند آیا تغییر در شیوه آموزش ادبیات فارسی می‌تواند علاوه بر بهبود فرایند یادگیری این درس، به رشد توانایی‌های عمومی‌تر دانش‌آموزان نیز کمک کند یا خیر.

---

۸. ۱۰ .مدل مفهومی پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه بررسی‌شده، در پژوهش حاضر **آموزش خلاق ادبیات فارسی** به عنوان متغیر مستقل و **تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی** به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته می‌شوند.

منطق مدل مفهومی پژوهش بر این اساس استوار است که استفاده از روش‌های خلاق و فعال در آموزش ادبیات فارسی می‌تواند با افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، فرصت بیشتری برای تحلیل، ارزیابی، تولید ایده و تجربه یادگیری معنادار فراهم کند. این فرایند در نهایت می‌تواند به تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت و افزایش انگیزش تحصیلی منجر شود.

مدل مفهومی پژوهش:

آموزش خلاق ادبیات فارسی

↓

مشارکت فعال و یادگیری معنادار

↓

تقویت تفکر انتقادی ↙

↓

افزایش خلاقیت ↘

↓

افزایش انگیزش تحصیلی ↘

بر این اساس، انتظار می‌رود هرچه میزان استفاده از روش‌های خلاق در آموزش ادبیات فارسی افزایش یابد، زمینه بیشتری برای رشد مهارت‌های شناختی و انگیزشی دانش‌آموزان فراهم شود.

---

۹. ۱۱ .روش‌شناسی پژوهش

۱۰. ۱۱-۱ .طرح پژوهش

با توجه به هدف پژوهش و ماهیت متغیرهای مورد بررسی، پژوهش حاضر می‌تواند با استفاده از **روش نیمه‌آزمایشی** و طرح پیش‌آزمون ـ پس‌آزمون با گروه گواه انجام شود. انتخاب این طرح امکان بررسی تغییرات ایجادشده در متغیرهای وابسته پس از اجرای آموزش خلاق ادبیات فارسی را فراهم می‌کند.

در این طرح، ابتدا میزان تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان در هر دو گروه آزمایش و گواه اندازه‌گیری می‌شود. سپس گروه آزمایش در معرض برنامه آموزش خلاق ادبیات فارسی قرار می‌گیرد، در حالی که گروه گواه آموزش معمول و رایج خود را دریافت می‌کند. در پایان دوره آموزشی، هر دو گروه مجدداً مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و تفاوت نتایج دو گروه بررسی می‌شود.

۱۱. ۱۱-۲ .جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل **کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه** در شهر تهران است که در سال تحصیلی ۱۴۰۴ - ۱۴۰۵ مشغول به تحصیل هستند.

۱۲. ۱۱-۳ .نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه پژوهش از میان دانش‌آموزان جامعه آماری انتخاب شد. برای انتخاب نمونه می‌توان از روش نمونه‌گیری تصادفی یا خوشه‌ای استفاده کرد و پس از انتخاب واحدهای مورد نظر، دانش‌آموزان به دو گروه آزمایش و گواه اختصاص داده می شوند.

حجم نمونه باید با توجه به نوع تحلیل آماری، اندازه اثر مورد انتظار، سطح معناداری و توان آزمون تعیین شود. در صورت اجرای پژوهش میدانی، رعایت همگنی نسبی دو گروه از نظر متغیرهایی مانند سن، پایه تحصیلی و سطح اولیه متغیرهای وابسته ضروری است.

۱۳. ۱۱-۴ .ابزارهای گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های پژوهش از ابزارهای استاندارد سنجش متغیرهای مورد مطالعه استفاده شد. ابزارهای مورد نظر باید از نظر **روایی و پایایی** مورد بررسی قرار گرفته باشند و متناسب با ویژگی‌های جامعه آماری انتخاب شوند.

برای سنجش متغیرهای پژوهش می‌توان از ابزارهای استاندارد مربوط به:

- تفکر انتقادی؛
- خلاقیت؛
- انگیزش تحصیلی؛

استفاده کرد.

در انتخاب ابزارها، تناسب آنها با گروه سنی دانش‌آموزان، سابقه استفاده در پژوهش‌های آموزشی و امکان تفسیر معتبر نتایج مورد توجه قرار خواهد گرفت.



۱۴. ۱۱-۵ .شیوه اجرای آموزش خلاق

برنامه آموزشی گروه آزمایش بر اساس محتوای رسمی ادبیات فارسی و با استفاده از فعالیت‌های خلاقانه طراحی خواهد شد. در این برنامه تلاش می‌شود دانش‌آموزان به جای دریافت صرف مطالب، در فرایند تحلیل، تفسیر و تولید محتوا مشارکت داشته باشند.

مهم‌ترین فعالیت‌های پیشنهادی عبارت‌اند از:

۱۵. **پرسشگری و گفت‌وگوی ادبی**

۱۶. **تحلیل شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستانی**

۱۷. **تفسیر و برداشت شخصی از شعر و نثر**

۱۸. **نوشتن خلاق**

۱۹. **بازآفرینی و بازنویسی متون**

۲۰. **تغییر پایان داستان**

۲۱. **روایت داستان از دیدگاه شخصیت‌های مختلف**

۲۲. **ایفای نقش و نمایش کوتاه**

۲۳. **فعالیت‌های گروهی و مشارکتی**

۲۴. **مقایسه و ارزیابی دیدگاه‌های مختلف**

در طول اجرای برنامه، نقش معلم عمدتاً هدایت و تسهیل فرایند یادگیری خواهد بود و تلاش می‌شود دانش‌آموزان فرصت کافی برای اظهار نظر، استدلال و تولید ایده داشته باشند.

۲۵- ۱۱ .روش‌شناسی پژوهش

۲۶- ۱۱-۶ .برنامه آموزشی آموزش خلاق ادبیات فارسی

برای اجرای مداخله آموزشی، برنامه‌ای منسجم با هدف افزایش مشارکت شناختی و خلاقانه دانش‌آموزان طراحی می‌شود. محتوای جلسات بر اساس سرفصل‌های رسمی درس ادبیات فارسی تنظیم خواهد شد، اما شیوه ارائه محتوا با روش‌های فعال، مشارکتی و خلاقانه همراه خواهد بود.

در این برنامه تلاش می‌شود دانش‌آموزان صرفاً دریافت‌کننده مطالب نباشند، بلکه در فرایند تحلیل، تفسیر، پرسشگری، تولید ایده و خلق آثار ادبی مشارکت داشته باشند. همچنین، فعالیت‌های آموزشی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که امکان ارائه پاسخ‌های متفاوت و دفاع از دیدگاه شخصی بر اساس شواهد متن وجود داشته باشد.

۲۷- جدول ۱. طرح پیشنهادی جلسات آموزش خلاق ادبیات فارسی

جلسه	محور آموزشی	فعالیت‌های خلاقانه	هدف اصلی
۱	آشنایی با ادبیات و تخیل	گفت‌وگوی گروهی، پرسش‌های باز و بیان برداشت شخصی	افزایش مشارکت
۲	تحلیل متن ادبی	شناسایی پیام، شخصیت‌ها و دیدگاه‌های مختلف	تقویت تحلیل
۳	شعر و برداشت شخصی	تفسیر شعر و مقایسه برداشت دانش‌آموزان	تقویت تفکر انتقادی
۴	داستان و شخصیت‌پردازی	تحلیل رفتار شخصیت‌ها و ارائه دیدگاه‌های متفاوت	تقویت استدلال
۵	بازآفرینی متن	تغییر زاویه دید و بازنویسی داستان	تقویت خلاقیت
۶	نوشتن خلاق	داستان‌نویسی و تولید متن ادبی کوتاه	افزایش تولید ایده
۷	ادبیات و نمایش	ایفای نقش و اجرای بخش‌هایی از یک متن	افزایش مشارکت و انگیزش
۸	پایان متفاوت	طراحی پایان جدید برای یک داستان	تقویت خلاقیت
۹	گفت‌وگوی انتقادی	مقایسه دیدگاه‌ها و دفاع از برداشت شخصی	تقویت تفکر انتقادی

هدف اصلی	فعالیت‌های خلاقانه	محور آموزشی	جلسه
تقویت همکاری و انگیزش	تولید یک اثر ادبی به صورت گروهی	پروژه ادبی گروهی	۱۰
تقویت اعتمادبه‌نفس	ارائه و نقد آثار تولیدشده توسط دانش‌آموزان	ارائه آثار	۱۱
تثبیت یادگیری	مرور فعالیت‌ها و ارزیابی تجربه یادگیری	جمع‌بندی	۱۲

این جلسات می‌توانند متناسب با پایه تحصیلی و محتوای کتاب درسی تعدیل شوند. نکته اساسی در اجرای برنامه آن است که فعالیت‌های خلاقانه جایگزین کامل محتوای آموزشی نشوند، بلکه در خدمت اهداف اصلی درس قرار گیرند.

۲۸- ۱۱-۷ .نقش معلم در فرایند آموزش خلاق

در الگوی آموزشی مورد استفاده، نقش معلم از انتقال‌دهنده مستقیم اطلاعات به **تسهیل‌کننده فرایند یادگیری** تغییر می‌یابد. معلم ضمن ارائه محتوای اصلی درس، موقعیت‌هایی ایجاد می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند درباره موضوعات مختلف سؤال کنند، نظر بدهند و به تحلیل و تفسیر بپردازند.

معلم همچنین باید از قضاوت سریع درباره پاسخ‌های متفاوت دانش‌آموزان خودداری کند و فضای مناسبی برای بیان ایده‌های جدید ایجاد نماید. در چنین محیطی، حتی پاسخ‌هایی که در ابتدا کامل یا دقیق نیستند می‌توانند نقطه آغاز گفت‌وگو و اصلاح اندیشه باشند.

یکی دیگر از وظایف معلم، هدایت بحث‌ها به سوی استدلال و استفاده از شواهد است. برای مثال، هنگامی که دانش‌آموز درباره یک شخصیت ادبی قضاوتی ارائه می‌دهد، معلم می‌تواند از او بخواهد شواهد موجود در متن را برای دفاع از دیدگاه خود بیان کند. این شیوه می‌تواند به صورت همزمان تفکر انتقادی و مهارت بیان و استدلال را تقویت کند.

۲۹- ۱۱-۸ .نقش دانش‌آموز در آموزش خلاق

در آموزش خلاق، دانش‌آموز نقش فعالی در فرایند یادگیری دارد. او تنها مطالب را دریافت نمی‌کند، بلکه باید آنها را تحلیل، تفسیر و در موقعیت‌های جدید به کار گیرد.



از دانش‌آموز انتظار می‌رود که:

- درباره محتوای درس سؤال مطرح کند؛
- دیدگاه خود را بیان کند؛
- به دیدگاه‌های دیگران گوش دهد؛
- برای نظر خود دلیل ارائه کند؛
- ایده‌های جدید تولید کند؛
- متون ادبی را بازآفرینی کند؛
- در فعالیت‌های گروهی مشارکت داشته باشد؛
- آثار خود را ارائه و نقد کند .

این نوع مشارکت می‌تواند احساس مسئولیت دانش‌آموز نسبت به یادگیری را افزایش داده و او را از حالت یادگیرنده منفعل به یادگیرنده فعال تبدیل کند.

۳۰- ۱۲ .روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات حاصل از ابزارهای پژوهش با استفاده از روش‌های مناسب آماری مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. در مرحله نخست، شاخص‌های توصیفی شامل فراوانی، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات برای توصیف داده‌ها محاسبه می‌شوند.

در مرحله بعد، برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های استنباطی مناسب استفاده خواهد شد. با توجه به ماهیت طرح پژوهش و وجود پیش‌آزمون و پس‌آزمون، می‌توان از **تحلیل کوواریانس (ANCOVA)** برای بررسی تفاوت گروه آزمایش و گواه در متغیرهای وابسته استفاده کرد.

در این تحلیل، نمرات پیش‌آزمون به عنوان متغیر کنترل وارد مدل می‌شوند و مشخص می‌شود که آیا پس از کنترل تفاوت‌های اولیه، آموزش خلاق ادبیات فارسی توانسته است تغییر معناداری در تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی ایجاد کند یا خیر.

سطح معناداری آزمون‌ها در پژوهش حاضر ۰۵/۰ در نظر گرفته خواهد شد. همچنین، در کنار سطح معناداری، اندازه اثر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا صرف معناداری آماری نمی‌تواند به‌تنهایی میزان اهمیت عملی یک مداخله آموزشی را نشان دهد.

۳۱- ۱۳-۱ .یافته‌های توصیفی

در بخش توصیفی، ویژگی‌های نمونه پژوهش از جمله تعداد دانش‌آموزان، جنسیت، پایه تحصیلی و سایر ویژگی‌های مرتبط گزارش خواهد شد. همچنین میانگین و انحراف معیار نمرات تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی در دو گروه آزمایش و گواه در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه می‌شود.

۳۲- ۱۳-۲ .یافته‌های استنباطی

در مرحله استنباطی، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرند. هدف اصلی این مرحله، تعیین این موضوع است که آیا تغییر مشاهده‌شده در نمرات گروه آزمایش نسبت به گروه گواه می‌تواند به آموزش خلاق ادبیات فارسی نسبت داده شود یا خیر.

چنانچه نتایج تحلیل آماری نشان دهد که تفاوت میان دو گروه پس از کنترل نمرات پیش‌آزمون معنادار است، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش خلاق ادبیات فارسی تأثیر معناداری بر متغیر مورد نظر داشته است.

۳۳- ۱۴ .بحث و تفسیر یافته‌ها

در صورت تأیید فرضیه اصلی پژوهش، می‌توان نتایج را چنین تفسیر کرد که استفاده از روش‌های خلاق در آموزش ادبیات فارسی توانسته است محیط یادگیری را از حالت انتقالی و یک‌سویه به محیطی فعال، مشارکتی و تعاملی تبدیل کند. چنین تغییری می‌تواند فرصت بیشتری برای فعالیت‌های ذهنی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم آورد.



۳۴- ۱۴-۱ .تبیین تأثیر آموزش خلاق بر تفکر انتقادی

چنانچه فرضیه مربوط به تفکر انتقادی تأیید شود، یکی از تبیین‌های احتمالی آن این است که فعالیت‌های خلاقانه ادبی دانش‌آموزان را به تحلیل، مقایسه و ارزیابی دیدگاه‌ها وادار می‌کنند.

در کلاس سنتی ممکن است دانش‌آموز بیشتر به دنبال یافتن پاسخ مورد انتظار معلم باشد؛ اما در آموزش خلاق، او باید درباره متن فکر کند و از دیدگاه خود دفاع نماید. این تغییر می‌تواند فرصت بیشتری برای تمرین استدلال و قضاوت فراهم کند.

برای مثال، زمانی که دانش‌آموز درباره رفتار یک شخصیت ادبی اظهار نظر می‌کند و باید نظر خود را با شواهد متن پشتیبانی نماید، عملاً مهارت تحلیل و استدلال را تمرین می‌کند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت آموزش خلاق از طریق افزایش تعامل شناختی با متن، زمینه رشد تفکر انتقادی را فراهم کند.

۳۵- ۱۴-۲ .تبیین تأثیر آموزش خلاق بر خلاقیت

تأیید فرضیه مربوط به خلاقیت را می‌توان با ماهیت فعالیت‌های مورد استفاده در آموزش خلاق توضیح داد. فعالیت‌هایی مانند داستان‌نویسی، بازنویسی، تغییر پایان داستان، تولید شعر و روایت یک متن از زاویه دید جدید، دانش‌آموز را در موقعیت تولید قرار می‌دهند.

در چنین شرایطی، دانش‌آموز مجبور نیست صرفاً پاسخ موجود در کتاب را بازتولید کند، بلکه باید از تخیل و تجربیات خود برای تولید محتوای جدید استفاده کند. تکرار چنین فعالیت‌هایی می‌تواند فرصت بیشتری برای بروز و تمرین توانایی‌های خلاقانه فراهم آورد.

۳۶- ۱۴-۳ .تبیین تأثیر آموزش خلاق بر انگیزش تحصیلی

در صورت تأیید تأثیر آموزش خلاق بر انگیزش تحصیلی، می‌توان این نتیجه را با ویژگی‌های محیط یادگیری خلاق مرتبط دانست. مشارکت در فعالیت‌های متنوع، امکان انتخاب، فرصت ابراز نظر و مشاهده نتیجه تلاش شخصی می‌تواند تجربه یادگیری را برای دانش‌آموز جذاب‌تر کند.

همچنین، هنگامی که دانش‌آموز احساس کند نظر و ایده او در کلاس ارزشمند است، احتمال افزایش مشارکت و علاقه او به فعالیت‌های آموزشی بیشتر خواهد شد. از این رو، آموزش خلاق می‌تواند علاوه بر تغییر شیوه یادگیری، نگرش دانش‌آموز نسبت به درس ادبیات فارسی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

۱. ۱۵ .بحث و نتیجه‌گیری کلی

۲. ۱۵-۱ .بحث کلی یافته‌های پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر سه متغیر مهم یعنی تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه بود. بر اساس مبانی نظری پژوهش، آموزش ادبیات فارسی زمانی می‌تواند نقش مؤثرتری در رشد شناختی و عاطفی دانش‌آموزان ایفا کند که از چارچوب انتقال مستقیم اطلاعات فراتر رفته و دانش‌آموز را به مشارکت فعال در فرایند یادگیری دعوت کند.

در آموزش خلاق، دانش‌آموز صرفاً دریافت‌کننده اطلاعات نیست، بلکه در فرایند فهم، تفسیر، نقد و بازآفرینی آثار ادبی مشارکت می‌کند. در چنین شرایطی، متن ادبی می‌تواند به بستری برای پرسشگری، گفت‌وگو، استدلال، تخیل و تولید ایده‌های جدید تبدیل شود. از این منظر، ادبیات فارسی تنها موضوعی برای حفظ کردن معانی واژگان، آرایه‌های ادبی و اطلاعات تاریخی نیست، بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای پرورش توانایی‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای مورد انتظار آموزش خلاق ادبیات فارسی، تقویت تفکر انتقادی است. هنگامی که دانش‌آموز درباره رفتار یک شخصیت ادبی، پیام یک شعر، دیدگاه نویسنده یا برداشت‌های متفاوت از یک متن به بحث می‌پردازد، ناگزیر است میان اطلاعات موجود ارتباط برقرار کند، شواهد ارائه دهد، دیدگاه‌های

مختلف را مقایسه کند و از برداشت خود دفاع نماید. بنابراین، فرایند یادگیری از سطح بازخوانی و یادآوری اطلاعات به سطوح بالاتر شناختی منتقل می‌شود.

از سوی دیگر، فعالیت‌هایی مانند بازنویسی متن، تغییر پایان داستان، تغییر زاویه دید، نوشتن داستان یا شعر کوتاه و ایفای نقش، فرصت مناسبی برای فعال شدن ظرفیت‌های خلاقانه دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. در این فعالیت‌ها، پاسخ واحد و از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد و دانش‌آموز می‌تواند بر اساس تخیل و تجربه شخصی خود به تولید ایده بپردازد. چنین محیطی می‌تواند زمینه رشد مؤلفه‌هایی مانند سیالی، انعطاف‌پذیری، اصالت و بسط ایده‌ها را فراهم کند.

متغیر دیگری که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، انگیزش تحصیلی است. یکی از مشکلات آموزش ادبیات در برخی محیط‌های آموزشی، شکل‌گیری تصور «حفظ‌کردنی بودن» این درس است. هنگامی که آموزش ادبیات با فعالیت‌های متنوع، مشارکتی و معنادار همراه شود، دانش‌آموز می‌تواند ارتباط بیشتری میان محتوای آموزشی و تجربه شخصی خود برقرار کند. امکان انتخاب، اظهار نظر، خلق اثر و مشارکت در فعالیت‌های گروهی نیز می‌تواند احساس مالکیت دانش‌آموز نسبت به فرایند یادگیری را افزایش دهد.

۳. ۱۵-۲ .تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر تفکر انتقادی

تفکر انتقادی از جمله مهارت‌هایی است که در آموزش سنتی ممکن است کمتر مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا بخش قابل توجهی از فعالیت دانش‌آموز به دریافت پاسخ‌های آماده و بازتولید مطالب محدود می‌شود. در مقابل، آموزش خلاق زمینه‌ای ایجاد می‌کند که در آن دانش‌آموز با پرسش‌های باز و مسائل دارای پاسخ‌های متعدد مواجه شود.

برای مثال، در بررسی یک داستان می‌توان از دانش‌آموز پرسید: «آیا تصمیم شخصیت اصلی منطقی بود؟»، «اگر شما جای او بودید چه تصمیمی می‌گرفتید؟» یا «آیا می‌توان پیام داستان را به شکل دیگری تفسیر کرد؟». چنین پرسش‌هایی دانش‌آموز را به ارائه دلیل وادار می‌کنند.

بنابراین، آموزش خلاق ادبیات فارسی می‌تواند از طریق سه فرایند اصلی به رشد تفکر انتقادی کمک کند:

۱. **تحلیل اطلاعات و محتوای متن؛**

۲. **مقایسه و ارزیابی دیدگاه‌های مختلف؛**

۳. **ارائه استدلال و شواهد برای دفاع از یک برداشت.**

در نتیجه، ادبیات فارسی می‌تواند از یک درس صرفاً محتوایی به محیطی برای تمرین استدلال و تفکر تبدیل شود.

۴. ۱۵-۳ .تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر خلاقیت

خلاقیت زمانی بیشتر رشد می‌کند که فرد فرصت تجربه، آزمون، خطا و ارائه ایده‌های متفاوت داشته باشد. کلاس ادبیات می‌تواند چنین محیطی را به شکل طبیعی فراهم کند؛ زیرا آثار ادبی اغلب دارای ظرفیت‌های متعدد برای تفسیر و بازآفرینی هستند.

فعالیت‌هایی مانند «نوشتن پایان متفاوت برای داستان»، «روایت یک داستان از زبان یکی از شخصیت‌ها»، «تبدیل یک شعر به داستان»، «نوشتن گفت‌وگوی جدید میان شخصیت‌ها» و «بازنویسی متن از دیدگاه یک شخصیت فرعی» می‌توانند دانش‌آموز را از مصرف‌کننده متن به تولیدکننده محتوا تبدیل کنند.

در این فرایند، دانش‌آموز می‌آموزد که برای یک مسئله الزاماً تنها یک پاسخ وجود ندارد و می‌توان از مسیرهای مختلف به نتیجه رسید. این نگرش می‌تواند علاوه بر درس ادبیات، در حل مسائل سایر دروس و موقعیت‌های زندگی نیز مفید باشد.

۵. ۱۵-۴ .تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی نقش مهمی در میزان تلاش، استمرار و مشارکت دانش‌آموز دارد. دانش‌آموزی که محتوای درسی را بی‌ارتباط با علایق و تجربیات خود می‌بیند، معمولاً مشارکت کمتری در فعالیت‌های یادگیری نشان می‌دهد.

آموزش خلاق می‌تواند این وضعیت را تغییر دهد. در این روش، دانش‌آموز فرصت دارد نظر خود را بیان کند، انتخاب داشته باشد، با همکلاسی‌های خود همکاری کند و نتیجه فعالیتش را به دیگران ارائه دهد. چنین تجربه‌ای می‌تواند احساس شایستگی، تعلق و مشارکت را تقویت کند.

بنابراین، یکی از مهم‌ترین نتایج نظری پژوهش حاضر این است که انگیزش تحصیلی را نباید صرفاً ویژگی ثابت دانش‌آموز دانست؛ بلکه محیط یادگیری و شیوه تدریس نیز می‌تواند در شکل‌گیری و تقویت آن نقش داشته باشد.

---

۶. ۱۶ .نتیجه‌گیری

بررسی مبانی نظری و چارچوب مفهومی پژوهش نشان می‌دهد که آموزش خلاق ادبیات فارسی ظرفیت قابل توجهی برای تقویت مهارت‌های شناختی و انگیزشی دانش‌آموزان دوره متوسطه دارد.

ادبیات فارسی به دلیل برخورداری از عناصر زبانی، فرهنگی، تخیلی، عاطفی و اجتماعی، این امکان را فراهم می‌کند که دانش‌آموز در یک فعالیت واحد، چندین مهارت را به صورت هم‌زمان تمرین کند. برای نمونه، تحلیل یک داستان می‌تواند به طور هم‌زمان مهارت خواندن، استدلال، تحلیل شخصیت، بیان دیدگاه و گفت‌وگوی گروهی را تقویت کند.

از سوی دیگر، فعالیت‌های خلاقانه ادبی می‌توانند فرصت مناسبی برای رشد تخیل و تولید ایده ایجاد کنند. دانش‌آموزی که داستانی را بازنویسی می‌کند یا پایان متفاوتی برای آن می‌نویسد، صرفاً یک تکلیف درسی انجام نمی‌دهد، بلکه در حال تجربه فرایند آفرینش است.

بر همین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که بازنگری در شیوه آموزش ادبیات فارسی و حرکت از روش‌های صرفاً انتقالی به سمت روش‌های فعال، مشارکتی و خلاق، می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق اهداف جدید آموزش‌وپرورش باشد.

البته برای تأیید تجربی میزان این تأثیر، اجرای پژوهش میدانی، استفاده از ابزارهای معتبر سنجش و تحلیل آماری داده‌های واقعی ضروری است. ازاین‌رو، یافته‌های آماری نهایی باید پس از اجرای طرح پژوهش و گردآوری داده‌های واقعی گزارش شوند و نباید بدون انجام مطالعه میدانی، اعداد و نتایج آماری فرضی به عنوان یافته واقعی ارائه شوند.



۱۷. کاربردهای آموزشی و عملی پژوهش

یافته‌ها و مبانی این پژوهش می‌تواند برای گروه‌های مختلف آموزشی کاربرد داشته باشد.

۱۷-۱. برای معلمان ادبیات فارسی

معلمان می‌توانند بخشی از زمان کلاس را به فعالیت‌هایی مانند گفت‌وگوی ادبی، پرسش‌های باز، بازنویسی، داستان‌نویسی، ایفای نقش و تحلیل گروهی اختصاص دهند.

۱۷-۲. برای برنامه‌ریزان درسی

برنامه‌ریزان می‌توانند در طراحی محتوای کتاب‌های درسی، فعالیت‌هایی را پیش‌بینی کنند که دانش‌آموز را به تحلیل، پرسشگری و تولید ایده وادار کند.

۱۷-۳. برای مؤلفان کتاب‌های درسی

در کنار متن‌های ادبی، می‌توان فعالیت‌هایی مانند «اگر شما نویسنده بودید...»، «پایان دیگری برای داستان بنویسید»، «دیدگاه خود را با دلیل بیان کنید» و «دو برداشت متفاوت از متن ارائه دهید» قرار داد.

۱۷-۴. برای مدیران مدارس

مدیران مدارس می‌توانند زمینه برگزاری جشنواره‌های داستان‌نویسی، شعرخوانی، نمایش‌های ادبی، مسابقات بازنویسی و نشست‌های گفت‌وگوی ادبی را فراهم کنند.

۱۷-۵. برای آموزش معلمان

دوره‌های ضمن خدمت معلمان می‌تواند بخشی را به روش‌های آموزش خلاق ادبیات، طراحی پرسش‌های سطح بالا و شیوه مدیریت گفت‌وگوی کلاسی اختصاص دهد.

---

۱۸. پیشنهادهای پژوهش



۱۴. ۱۸-۱ .پیشنهادهای کاربردی

۱۵. استفاده بیشتر از روش‌های فعال و مشارکتی در تدریس ادبیات فارسی.

۱۶. کاهش وابستگی آموزش ادبیات به حفظ مطالب و پاسخ‌های از پیش تعیین‌شده.

۱۷. طراحی فعالیت‌های خلاق متناسب با سن و سطح شناختی دانش‌آموزان.

۱۸. استفاده از داستان، نمایش، شعرخوانی و نوشتن خلاق در کلاس.

۱۹. ایجاد فرصت برای بیان برداشت‌های متفاوت از متون ادبی.

۲۰. تشویق دانش‌آموزان به ارائه استدلال و استفاده از شواهد متنی.

۲۱. توجه هم‌زمان به ابعاد شناختی، عاطفی و انگیزشی یادگیری ادبیات.

۲۲. ۱۸-۲ .پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

پژوهش‌های آینده می‌توانند تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی را در دوره‌های مختلف تحصیلی، از ابتدایی تا متوسطه، بررسی کنند.

همچنین می‌توان اثربخشی روش‌های خاص آموزش خلاق، مانند **داستان‌گویی، بازی‌های ادبی، ایفای نقش، یادگیری مبتنی بر پروژه، آموزش مشارکتی و نویسندگی خلاق** را به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار داد.

پیشنهاد دیگر، بررسی تفاوت تأثیر آموزش خلاق ادبیات فارسی بر دانش‌آموزان دختر و پسر یا دانش‌آموزان دارای سطوح مختلف پیشرفت تحصیلی است.

همچنین انجام پژوهش‌های طولی می‌تواند مشخص کند که آیا آثار آموزش خلاق بر تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی در بلندمدت نیز باقی می‌ماند یا خیر.

در نهایت، انجام مطالعات ترکیبی کمی ـ کیفی می‌تواند تصویر جامع‌تری از تجربه دانش‌آموزان و معلمان در کلاس‌های خلاق ادبیات فارسی ارائه کند.

۳۷- ۱۹ .پیشینه پژوهش با تأکید بر مطالعات علمی



۳۸- ۱۹-۱ .پژوهش‌های مرتبط با آموزش خلاق

آموزش خلاق در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم در حوزه پژوهش‌های تعلیم و تربیت تبدیل شده است. در این رویکرد، معلم تنها انتقال‌دهنده محتوای آموزشی نیست، بلکه با طراحی موقعیت‌های یادگیری متنوع، دانش‌آموزان را به مشارکت، پرسشگری، تجربه، تولید ایده و حل مسئله تشویق می‌کند.

مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام‌شده درباره آموزش خلاق نشان داده است که عوامل فردی معلم، از جمله باورها و نگرش‌های وی نسبت به خلاقیت، نقش مهمی در میزان استفاده از روش‌های خلاقانه در کلاس دارند. همچنین عوامل مربوط به محیط مدرسه و نظام آموزشی نیز می‌توانند زمینه‌ساز یا محدودکننده آموزش خلاق باشند.

این موضوع در آموزش ادبیات فارسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا محتوای ادبی، برخلاف برخی محتواهای کاملاً بسته، امکان برداشت، تفسیر و بازآفرینی را فراهم می‌کند. بنابراین معلم ادبیات می‌تواند از یک متن واحد، فعالیت‌های متنوعی برای تحلیل، گفت‌وگو، خلاقیت و تولید محتوا طراحی کند.

۳۹- ۱۹-۲ .آموزش ادبیات و تفکر انتقادی

یکی از اهداف مهم آموزش ادبیات، ایجاد توانایی درک، تحلیل و تفسیر متون است. هنگامی که دانش‌آموز صرفاً معنی متن را از معلم دریافت می‌کند، فرصت محدودی برای شکل‌گیری فرایند استدلال و قضاوت مستقل خواهد داشت.

در مقابل، روش‌هایی مانند خواندن مشارکتی، گفت‌وگوی ادبی، پرسش‌های باز و نوشتن تحلیلی می‌توانند دانش‌آموز را به ارزیابی دیدگاه‌ها و ارائه استدلال سوق دهند. پژوهش‌های جدید در حوزه آموزش زبان و نوشتن نیز نشان داده‌اند که ترکیب خواندن، نوشتن خلاق، گفت‌وگوی گروهی و بازخورد همسالان می‌تواند به رشد تفکر انتقادی کمک کند.

بر این اساس، در آموزش ادبیات فارسی نیز می‌توان از متن ادبی به عنوان محرکی برای شکل‌گیری پرسش‌های تحلیلی و استدلالی استفاده کرد.

۴۰- ۱۹-۳ .آموزش خلاق و پرورش خلاقیت

خلاقیت از مهارت‌های اساسی مورد نیاز دانش‌آموزان در جهان معاصر است. آموزش خلاق زمانی می‌تواند اثربخش باشد که به دانش‌آموز فرصت دهد ایده‌های مختلف را تجربه کند و از اشتباه کردن در مسیر تولید ایده نترسد.

مطالعات مربوط به نوشتن خلاق نشان می‌دهند که این روش می‌تواند علاوه بر تولید ایده، با درگیری شناختی، بیان شخصی، تفکر انتقادی و مشارکت دانش‌آموزان ارتباط داشته باشد. یک مرور نظام‌مند منتشرشده در سال ۲۰۲۵ نیز بر نقش نوشتن خلاق در تقویت خلاقیت، مشارکت و رشد شناختی تأکید کرده است.

از این منظر، فعالیت‌هایی همچون داستان‌نویسی، شعرسرایی، بازنویسی، تغییر زاویه دید و ایجاد پایان متفاوت برای داستان، صرفاً فعالیت‌های جانبی کلاس ادبیات نیستند؛ بلکه می‌توانند بخشی از فرایند اصلی یادگیری باشند.

۴۱- ۱۹-۴ .رابطه تفکر انتقادی و خلاقیت

تفکر انتقادی و خلاقیت دو سازه متفاوت اما مرتبط با یکدیگر هستند. خلاقیت بیشتر به تولید و گسترش ایده‌های جدید مربوط می‌شود، در حالی که تفکر انتقادی بر بررسی، تحلیل، ارزیابی و قضاوت درباره ایده‌ها تأکید دارد.

به بیان دیگر، در یک فرایند یادگیری اثربخش، دانش‌آموز ابتدا می‌تواند ایده‌های متعددی تولید کند و سپس با استفاده از تفکر انتقادی، مناسب‌ترین ایده را ارزیابی و انتخاب نماید.

پژوهش‌های جدید نیز ارتباط میان این دو مهارت شناختی را مورد بررسی قرار داده‌اند و بر اهمیت توجه هم‌زمان به تفکر انتقادی و خلاقیت در محیط‌های آموزشی تأکید کرده‌اند.

این ارتباط در آموزش ادبیات فارسی کاملاً قابل استفاده است؛ زیرا دانش‌آموز می‌تواند ابتدا برداشت‌های مختلفی از یک متن ارائه دهد و سپس با بررسی شواهد موجود در متن، برداشت خود را ارزیابی و از آن دفاع کند.

۴۲- ۱۹-۵ .آموزش خلاق و انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد و نقش معلم و شیوه تدریس از عوامل مهم آن محسوب می‌شود. یک مرور نظام‌مند جدید که ۳۸ مطالعه و بیش از ۵۴ هزار دانش‌آموز را بررسی کرده، نشان داده است که حمایت معلم، رابطه معلم و دانش‌آموز، شیوه‌های تدریس، بازخورد و میزان مشارکت از عوامل مهم مرتبط با انگیزش تحصیلی هستند.

همچنین مرورهای پژوهشی درباره روش‌های فعال آموزشی نشان داده‌اند که روش‌هایی مانند یادگیری فعال، ایجاد فرصت مشارکت و توجه به استقلال یادگیرنده می‌توانند با انگیزش دانش‌آموزان ارتباط داشته باشند.

از این منظر، آموزش خلاق ادبیات فارسی می‌تواند با ایجاد فرصت انتخاب، مشارکت، تولید اثر و ارائه دیدگاه، محیطی ایجاد کند که در آن دانش‌آموز احساس نقش‌آفرینی بیشتری داشته باشد.

۴۳- ۱۹-۶ .نوآوری پژوهش حاضر

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره آموزش خلاق، تفکر انتقادی، خلاقیت و انگیزش تحصیلی، ارزش پژوهش حاضر در **نگاه یکپارچه به این سه پیامد در بستر آموزش ادبیات فارسی دوره متوسطه** است.

در واقع، پژوهش حاضر آموزش ادبیات را نه صرفاً به عنوان انتقال دانش ادبی، بلکه به عنوان یک موقعیت تربیتی چندبعدی در نظر می‌گیرد که می‌تواند هم‌زمان زمینه رشد شناختی، خلاقانه و انگیزشی دانش‌آموز را فراهم کند.

بر این اساس، مدل پیشنهادی پژوهش به صورت زیر قابل بیان است:

آموزش خلاق ادبیات فارسی

↓

افزایش مشارکت فعال و یادگیری معنادار

↓

تقویت تفکر انتقادی + تقویت خلاقیت + افزایش انگیزش تحصیلی

این چارچوب می‌تواند مبنایی برای مطالعات تجربی آینده در مدارس دوره متوسطه قرار گیرد.

۴۴- منابع فارسی

۱. رفعت، محمدحسن، هاشمی، سیداحمد، ماشینچی، علی‌اصغر، و بهروزی، محمد. (۱۴۰۱). طراحی روش‌های تدریس در برنامه درسی ادبیات فارسی مهارت‌بنیان دوره متوسطه اول. *توسعه آموزش جندی‌شاپور*، *۱۳*(۳)، ۲۰۵–۲۱۸.

۲. رضایی‌آلی، سجاد. (۱۴۰۲). اتخاذ سبک‌های نوین تدریس در درس زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه دوم برای اثربخشی فرایند یادگیری در دانش‌آموزان [نشریه علمی مربوط].

۳. قنبری، محمدجواد. (۱۴۰۳). بررسی روش‌های نوین تدریس زبان و ادبیات فارسی [نشریه علمی مربوط].

۴. آقایی، محراب. (۱۴۰۲). بررسی مسائل و مشکلات تدریس درس زبان و ادبیات فارسی به دانش‌آموزان غیرفارسی‌زبان. *آفاق علوم انسانی*، *۷*(۷۵)، ۱–۱۱.

۵. شاه‌بهرامی، فریده، شاه‌بهرامی، فریبا، و درویش، انسیه. (۱۴۰۲). رابطه خلاقیت و تفکر انتقادی با انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۶۲*، ۱۷۵–۱۹۰.

۶. کوکبیان، لیلا، و عباسی، بدری. (۱۴۰۴). اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر خودکارآمدی تحصیلی، خلاقیت و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *رویکردهای نوین در مدیریت آموزش و علوم سلامت، ۲*(۳)، ۲۹–۴۱.

۷. حجازی، الهه، صالح نجفی، مهسا، و خضری‌آذر، هیمن. (۱۳۹۹). تحلیل چندسطحی عوامل سطح دانش‌آموز، کلاس درس و مدرسه بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان و ارائه راهکارهای عملی برای توسعه تفکر انتقادی [نشریه علمی مربوط].

۸. مجیدی، اکبر، محمدی قاضی جهانی، فائقه، و نجف‌وند دریکوندی، فاطمه. (۱۴۰۴). نقش واسطه‌ای تفکر انتقادی در رابطه میان ذهن‌آگاهی و رفتار اطلاع‌یابی برخط دانش‌آموزان. *تعامل انسان و اطلاعات، ۱۲*(۳)، ۱–۲۲.

۹. قربانی‌رضوان، مریم، و میرزایی، پروین. (۱۴۰۳). رابطه سواد رسانه‌ای با مهارت‌های تفکر انتقادی و نقش میانجی خلاقیت شناختی: جزءپژوهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر قم [نشریه علمی مربوط].

۱۰. سیف‌درخشنده، سعید، و نریمانی، محمد. (۱۳۹۸). فراتحلیل عوامل و موانع مرتبط با افزایش خلاقیت دانش‌آموزان. *روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه، ۸*(۳)، ۱۰۹–۱۲۶.

۱۱. فتحی، افشار، برزگر، مجید، خیر، محمد، و کوروش‌نیا، مریم. (۱۴۰۳). مدل ساختاری بهزیستی تحصیلی براساس جو آموزشی خلاق با نقش واسطه‌ای خودپنداره تحصیلی در دانش‌آموزان متوسطه در شهر شیراز. *مجله علوم پزشکی رازی، ۳۱*(۱)، ۱۷.

۱۲. رحمتی، صلاح‌الدین، و مصطفائی، علی. (۱۴۰۱). رابطه ادراک دانش‌آموزان از سبک تدریس معلم و خودپنداره تحصیلی با انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول. *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۵۰، ۱۵۳–۱۶۸.

۱۳. صدرائی، حورا، واحدی، شهرام، بدری گرگری، رحیم، و فتحی‌آذر، اسکندر. (۱۴۰۱). بررسی اثربخشی الگوی تدریس چرخه‌ای ۹ مرحله‌ای (9E) در تدریس علوم بر درک مفهومی و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان. *تدریس‌پژوهی*، ۱۰(۳)، ۱۷۴–۱۹۶.

۱۴. مرادی، رحیم، و محمدی، رقیه. (۱۴۰۳). تأثیر آموزش مبتنی بر فناوری واقعیت افزوده تعاملی بر قدرت خلاقیت و حل مسئله دانش‌آموزان. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۵۵، ۸.

۱۵. محمدداودی، امیرحسین، و مقیمی، منصوره. (۱۳۹۲). ارزیابی مدل فعالیت‌های یادگیری خلاقیت‌محور در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ساوه. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۴(۱)، ۱۶۷–۱۸۲.

45- English References

1. Asadpour, M., Hashemi Bakhshi, M., Mirzapour, P., & Shahabi, M. (2025). The motivational role of teachers: A systematic review of key

factors influencing students' academic motivation. *European Journal of Psychology of Education, 40*, 133. https://doi.org/10.1007/s10212-025-01039-0

2. Brauer, R., Ormiston, J., & Beausaert, S. (2025). Creativity-fostering teacher behaviors in higher education: A transdisciplinary systematic literature review. *Review of Educational Research, 95*(5), 899–928. https://doi.org/10.3102/00346543241258226
3. Fadzil, A. H. P., Mistima, S. M., & Sofwan, M. M. (2022). Factors influencing teachers' creative teaching: A systematic review. *Cypriot Journal of Educational Sciences, 17*(1), 240–254. https://doi.org/10.18844/cjes.v17i1.6696
4. Yang, X., Shen, J., Cropley, D. H., & Zheng, Y. (2025). A systematic review of factors influencing K-12 teachers' creative teaching across different forms: An ecological perspective. *Thinking Skills and Creativity, 57*, 101869. https://doi.org/10.1016/j.tsc.2025.101869
5. Jegstad, K. M., Heggernes, S. L., Jøsok, E., Ryen, E., Svanes, I. K., & Tørnby, H. (2025). Approaches to critical thinking in primary education classrooms: A systematic review. *Educational Research Review, 48*, 100711. https://doi.org/10.1016/j.edurev.2025.100711
6. Hayati, K. R., & Koiri, M. (2026). Enhancing students' critical thinking through literary analysis: A systematic review. *Tell: Teaching of English Language and Literature Journal, 14*(1). https://doi.org/10.30651/tell.v14i1.29915
7. Huber, C. R., & Kuncel, N. R. (2016). Does college teach critical thinking? A meta-analysis. *Review of Educational Research, 86*(2), 431–468. https://doi.org/10.3102/0034654315605917
8. Niu, L., Behar-Horenstein, L. S., & Garvan, C. W. (2013). Do instructional interventions influence college students' critical thinking skills? A meta-analysis. *Educational Research Review, 9*, 114–128.

9. Xu, E., Wang, W., & Wang, Q. (2023). The effectiveness of collaborative problem solving in promoting students' critical thinking: A meta-analysis based on empirical literature. *Humanities and Social Sciences Communications, 10*, 16. https://doi.org/10.1057/s41599-023-01508-1
10. Ay, Ş. Ç., & Orhan, A. (2020). The effect of different critical thinking teaching approaches on critical thinking skills: A meta-analysis study. *Pamukkale University Journal of Education, 49*.
11. Liu, H.-Y., & Chang, C.-C. (2017). Effectiveness of 4Ps creativity teaching for college students: A systematic review and meta-analysis. *Creative Education, 8*, 857–869. https://doi.org/10.4236/ce.2017.86062
12. Stroet, K., Opdenakker, M.-C., & Minnaert, A. (2013). Effects of need supportive teaching on early adolescents' motivation and engagement: A review of the literature. *Educational Research Review, 9*, 65–87. https://doi.org/10.1016/j.edurev.2012.11.003
13. Bureau, J. S., et al. (2022). Pathways to student motivation: A meta-analysis of antecedents of autonomous and controlled motivations. *Review of Educational Research, 92*(1), 46–72. https://doi.org/10.3102/00346543211042426
14. Wang, Y., Wang, H., Wang, S., Wind, S. A., & Gill, C. (2024). A systematic review and meta-analysis of self-determination-theory-based interventions in the education context. *Learning and Motivation, 87*, 102015. https://doi.org/10.1016/j.lmot.2024.102015
15. Gilroy, A., McCloat, A., & Harvey, D. (2026). Self-determination theory in the secondary school classroom: A scoping review. *Social Sciences & Humanities Open*, 102698. https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2026.102698